

بررسی ماهیت عفو متهمان و محکومان در قانون و مبانی آزادی مشروط

سید مجتبی حسینی

کارشناس ارشد ثبت اسناد و املاک.

نام نویسنده مسئول:

سید مجتبی حسینی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۶

چکیده

در زندگی بشر رفتار و عمل همیشه در حد تعادل نبوده است. زمانی از تعادل خارج می شود دست به جرم می زند. متداول ترین واکنش در برابر مجرم، مجازات می باشد. مجازات در واقع یک نیرو برای جلوگیری از بی نظمی در جامعه می باشد. گاهی جرم مورد بخشش واقع می شود که این کار در دین مبین اسلام بنام عفو جایگاه والای دارد. در این تحقیق ما به بررسی ماهیت عفو متهمان و محکومان در قانون و مبانی آزادی مشروط پرداختیم. این مباحث حقوقی یکی از ظریفترین مباحثی است که در شرایط مختلفی برای اجرای آن وجود دارد. ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ نسبت به ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مساعدتر به حال محکوم است و طبق ماده ۱۰ این قانون در اعمال مقررات آزادی مشروط باید ماده ۵۸ به موقع اجرا گذاشته می شود و عدم تصویب آیین نامه موضوع ماده ۶۳ مجوزی برای عدم اجرای این ماده نیست. با توجه به اینکه اعطای عفو عمومی و عفو متهمان از ناحیه مقام رهبری صراحتاً در قوانین پیش بینی نگردیده باعث اختلاف نظر حقوق دانان در این زمینه شده است لذا به اختصار و به تفکیک جرایم اختیارات رهبری را در اعطای عفو مورد تحلیل قرار داده ایم.

واژگان کلیدی: عفو، آزادی مشروط، اعطای آزادی مشروط.

مقدمه

عفو به عنوان یکی از تأسیسات حقوقی از ابتدای تدوین قوانین موضوعه با اقتباس از قوانین کشور فرانسه وارد قوانین کیفری کشور ما گردید و نتیجتاً آرای صادره از محاکم و نیز آراء وحدت رویه و نظریات علمای حقوق بی تأثیر از این قوانین نیست. پس از استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، قانونگذار با عنایت به روح الهی و شرعی حاکم بر قوانین، نهاد عفو را با این مقررات منطبق نموده است. اصولاً نهاد عفو از دیدگاه حقوقی آن در خصوص مجازات و پس از اثبات مجرمیت شخص موضوعیت پیدا می‌کند. البته در بعضی موارد متهمان به ارتکاب جرایم خاص ممکن است مشمول عفو قرار گیرند و تعقیب آنها منتفی شود. طبق ماده ۲ آئین نامه ۲۷۱ عفو بخشودگی اعطای عفو منوط به درخواست محکوم علیه و یا خانواده او یا قاضی برای حکم یا رئیس زندان محل گذران حکم است. در خواسته‌های مذکور باید ابتدا در هیئتهای مراکز استان و شهرستان مرکب از رئیس دادگستری قاضی تحقیق زندان و رئیس زندان بررسی بشود و پس از اخذ نظریات اداره اطلاعات ستاد مبارزه با مواد مخدر و... گزارش کاملی از وضع محکومان عفو ارسال می‌شود. پس از بررسی‌هایی در کمیسیون عفو رئیس کمیسیون عفو فهرست اسامی محکومان مستحق عفو را تقدیم رئیس قوه قضائیه کرده و رئیس قوه قضائیه حداقل ۱۵ روز قبل از یکی از مناسبتهای عفو به مقام ربوی پیشنهاد می‌کند.

عفو

به موجب بند ۱۱ از اصل ۱۱۰ قانون اساسی و ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی عفو باید با پیشنهاد رییس قوه قضائیه و تایید مقام رهبری باشد و ماهیت قید «در حدود موازین اسلامی» در اصل و ماده مذکور در قوانین مدون تبیین نشده است و به ناچار باید به منابع معتبر فقهی و فتاوی مشهور فقها مراجعه کرد. از آن جا که تا کنون در خصوص موضوع عفو تحقیق جامع و مستقلی به عمل نیامده و در قوانین موضوعه نیز حدود اختیارات مراجع اعطا کننده عفو و همچنین انواع مجازات‌هایی که امکان عفو یا تخفیف در آن‌ها وجود دارد مشخص نشده و با نواقص و کاستی‌هایی همراه می‌باشد. (قدسی وسجودی، ۱۳۸۶)

حقوقدانان در این خصوص به دو دسته تقسیم شده‌اند: عده‌ای از آنان با تاسی به فقه اسلامی و برخی نیز متأثر از حقوق عرفی به این مقوله پرداخته‌اند که به مهمترین آنها اشاره می‌شود:

۱- در عفو، صاحب حق، حق خود را ساقط کرده و مطالبه نمی‌کند مانند عفو اولیای دم از قاتل، عفو مجروح از جراح و عفو مظلوم از ظالم.

۲- عفو عبارتست از: اسقاط بعضی یا تمام مجازات مترتب بر جرم. این تعریف هم شامل عفو صادر شده از افراد و هم عفو صادر شده از جامعه است. (زیده، ۱۴۱۰)

۳- عفو، سببی خاص از اسباب سقوط برخی از مجازات‌هاست، مثل عفو مجنی علیه یا ولی وی نسبت به جانی و یا عفوی که ولی امر اعمال می‌دارد. (عوده، ۱۳۷۲)

۴- عفو، اسقاط حق مجنی علیه است به اینکه از تمام حشش به طور مطلق بگذرد و یا در مقابل عوضی. (فضیلات، ۱۴۰۸)

به طور کلی و بنا به اعتقاد اکثر فقها، عناصر یا ارکان عفو به چهار رکن صیغه، عفو کننده (عافی)، عفو شونده (معفو عنه) و موضوع عفو را در بر می‌گیرد.^۱

گفتار اول: صیغه

فقها برای عفو، صیغه را شرط دانسته‌اند. منظور از صیغه، هر وسیله‌ای است که بر عفو دلالت کند و این که از واژه «وسیله» استفاده شد به این دلیل است که این صیغه منحصر در قول یا لفظ نیست. بلکه اعم از قول، فعل یا قائم مقام قول (کتابت و

^۱ لازم به ذکر است که به اعتقاد تمامی فقهای اهل سنت، عفو دارای چهار رکن است. ولی ابوحنیفه معتقد است که عفو تنها یک رکن دارد و آن صیغه است و موارد دیگر از لوازم عفو به شمار می‌آیند. البته این عقیده یک اختلاف لفظی است؛ زیرا همه فقها معتقدند برای عفو ارکان چهارگانه فوق لازم است و بدون آنها عفو محقق نمی‌شود. (ر.ک: ابن عبدالکریم، زید، العفو عن العقوبه فی الفقه الاسلامی، الرياض، دارالعاصمه، النشر الاولی، ۱۴۱۰ ه.ق، ص ۳۲).

اشاره مفهمه) و یا هر چیز دیگری است که از آن قصد و اراده عفو کننده بر عفو کشف شود. این قصد انشا ممکن است به صورت پیش نویس یا طرح یا لایحه‌ای دال بر تقاضا یا موافقت با صدور و یا تصویب فرمان عفو متبلور شود. کسی که مجازات بر عهده‌اش مستقر شده است با گذشت زباندیده اعم از جامعه یا شخص حقیقی معین، مجازاتش ساقط می‌گردد. قبول و رضایت معفو عنه در صحت عفو و گذشتی که از جانب اشخاص صورت می‌گیرد شرط نیست. زیرا عفو نوعی اسقاط است و اسقاط نوعی ایقاع است و در ایقاع هم قبول شرط نیست. همین موضوع در خصوص عفوئی که از سوی مراجع دیصلاح اعطا می‌شود نیز صادق است چرا که حق اعمال مجازات جزء حقوق حاکمیت است. (زراعت، ۱۳۸۰)

مبانی آزادی مشروط

آزادی مشروط برای مدتی متهم را از عیوب اقامت در زندان دور می‌سازد. با تشویق محبوسین به رعایت نظم زندان آرامش محیط آن‌ها تسهیل می‌گردد و موجب احیای اخلاقی و آماده شدن محبوسین برای زندگانی در اجتماع می‌شود. آزادی مشروط به محبوس مجال می‌دهد که برای خود شغلی تهیه نماید تا پس از قطعی شدن آزادی به آن اشتغال ورزد. (شامبیاتی، ۱۳۷۶)

اعطای آزادی مشروط و خروجی آن

تعیین مدت آزادی مشروط و رعایت شرایط ضمن مدت از سوی محکوم علیه بعد از این که پیشنهاد صدور حکم آزادی مشروط مورد قبول دادگاه صادر کننده ی حکم قطعی قرار گرفت، دادگاه ضمن صدور حکم آزادی مشروط، پاره ای محدودیت طی مدت معین برای محکوم علیه در نظر می‌گیرد. محدودیت‌های ضمن حکم، تمثیلی است و شامل مواردی از قبیل: سکونت در محل معین، خودداری از سکونت در محل معین، خودداری از اشتغال به شغل خاص و ... می‌شود.

در مورد مدت آزادی مشروط تبصره ی "۳" ماده (۳۹) قانون راجع به مجازات اسلامی اشعار می‌داشت «مدت آزادی مشروط اصولاً شامل بقیه ی مدت مجازات خواهد بود ولی دادگاه می‌تواند مدت آن را تغییر دهد و در هر حال کم تر از یک سال و زیادتر از پنج سال نخواهد بود، جز در مواردی که بقیه ی مدت کم تر از یک سال باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه ی مدت حبس خواهد بود.» تبصره ی فوق در ماده (۴۰) ق.م.ا، به این نحو بیان شده است: «مدت آزادی مشروط بنا به تشخیص دادگاه، کم تر از یک سال و زیادتر از پنج سال نخواهد بود.»

ماده (۴۰) ق.م.ا، این ایراد را دارد که اگر مدت حبس جرمی در دادنامه ی قطعیت یافته کم تر از یک سال باشد، مدت آزادی مشروط چگونه حساب می‌شود؟ مثلاً در مورد جرایم مندرج در ماده (۶۹۰) ق.م.ا، (ایجاد مزاحمت، تصرف عدوانی و ممانعت از حق) مجازاتی که قانون گذار در نظر گرفته است یک ماه تا یک سال حبس است حال قاضی دادگاه هشت ماه برای محکوم علیه در نظر می‌گیرد.

اگر دادگاه مدت آزادی مشروط را بقیه ی مدت حبس یعنی چهار ماه حکم دهد، این برخلاف نص ماده (۴۰) ق.م.ا، می‌باشد. از طرفی دیگر اگر بخواهد فقط با توجه نص قانونی مدت آزادی مشروط را تعیین کند حداقل آن یک سال است و این بر خلاف عدالت و به ضرر محکوم علیه است. در پاسخ باید اذعان داشت که ماده (۴۹۷) ق.م.ا، می‌تواند راهگشا باشد. این ماده اشعار می‌دارد «کلیه ی قوانینی که با این قانون مغایر باشد ملغی است» و چون ماده (۴۰) ق.م.ا، در خصوص این که اگر بقیه ی مدت محکومیت کم تر از یک سال باشد حکمی ندارد و مغایرتی نیز با تبصره ی "۳" ماده (۳۹) قانون راجع به مجازات اسلامی ندارد، می‌توان از این تبصره استفاده کرد. (نوربها، ۱۳۸۶)

موارد لغو حکم آزادی مشروط

با توجه به تبصره "۳" ماده (۳۸) ق.م.ا، موارد لغو حکم آزادی مشروط عبارتند از: عدم رعایت شرایط و ترتیبات مندرج در حکم توسط محکوم علیه (مثلاً معرفی نوبه ای خود به زندان). در صورتی که ارتکاب جرم جدید که در این صورت از باب قاعده ی تعدد جرم بوده و با استناد به ماده (۴۷) ق.م.ا، محکوم علیه مجازات می‌شود (حسب مورد «جمع مجازات‌ها» یا «تشدید مجازات»). سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا بعد از لغو حکم آزادی

مشروط محکوم علیه می تواند مجدداً درخواست آزادی مشروط کند؟ آقای دکتر نوربها معتقدند که باید قایل به تفکیک شد، در صورت لغو حکم به دلیل تخلف از شرایط درخواست مجدد آزادی مشروط اشکالی ندارد اما در صورت ارتکاب جرم جدید قبولی مجدد با اشکال مواجه است؛ زیرا محکوم علیه قبلاً به مجازات حبس محکوم شده است و نحوه ی نگارش ماده دلالت دارد بر اجرای محکومیت و عدم پذیرش آزادی در چنین شرایطی (نوربها، ۱۳۸۶)

در زمینه آزادی مشروط ارزیابی‌های مختلفی در سطح جهان صورت گرفته و آمارهای مختلفی در این زمینه موجود می‌باشد که براساس آن‌ها باید بیان داشت استفاده از نهاد آزادی مشروط توانسته تا حد زیادی هزینه‌های مربوط به زندان را کاهش داده و از بار مالی موجود بر دولت‌ها بکاهد، همچنین استفاده از نهاد آزادی مشروط توانسته هرچند به صورت ناقص از اثرات منفی زندان و حرفه‌ای شدن بزهکاران بکاهد. همچنین همان‌گونه که بیان شد بزهکاران هر چه به سمت پایان مدت حبس می‌روند تحمل زندان برایشان سخت‌تر می‌شود و روزهای آخر به مراتب سخت‌تر از روزهای اول می‌گذرد، استفاده از آزادی مشروط می‌تواند فضا را برای بازگشت افراد به دامن جامعه و باز اجتماعی شدن آن‌ها فراهم آورد. (شهرودیاری و مقیمی، ۱۳۹۹)

در مورد تکرار جرم نیز در مورد کسانی که از آزادی مشروط استفاده نمودند آمارهای مختلفی وجود دارد که برخی از آن‌ها نشان دهنده کاهش تکرار جرم و برخی نیز افزایش تکرار جرم را نشان می‌دهند. در سال ۱۹۸۵ «کونل» و «سیمز» شش گروه آزاد شده مشروط در سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۴ مشتمل بر ۱۶۰۰ بزهکار را مورد مطالعه قرار دادند و حدود ۱۸۶۷ نفر به عنوان گروه شاهد از بین آزاد شده‌ها در سال ۱۹۷۹ قرار گرفتند و حدود ۴۵ روز از مدت زندان آن‌ها کاهش یافت. و به طور کلی بین نرخ تکرار جرم و نوع جرایم ارتكابی دو گروه در طول سال‌های اول، دوم و سوم انجام این مطالعه تفاوتی قطعی و مشخص ملاحظه گردید که آزادی مشروط می‌تواند به عنوان راه حلی موقت برای حل مشکل ازدحام زندانیان به شمار آید. در تحقیق دیگر «اوستین» به بررسی تاثیر برنامه آزادی پیش از موعد ایلی نویز پرداخت. برای کنترل ازدحام وخامتبار جمعیت زندان، بخش اصلاح و درمان ایلی نویز در طول سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۳ اقدام به اجرای برنامه آزادی پیش از موعد تقریباً ۲۱۰۰۰ زندانی که مشتمل بر حدود ۶۰ درصد از کل آزادشدگان می‌شدند، نمودند. این مطالعه با انتخاب اتفاقی، به مطالعه ۱۵۰۰ زندانی که براساس برنامه مذکور از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲ آزاد شده بودند، پرداخت این گروه مشتمل بر ۳۵۵ زندانی بود که یک سال قبل از اجرای برنامه آزادی پیش از موعد، برای مدت ۳۰ ماه آینده آزاد شدند و گروهی نیز محکومیت خود را به طور کامل طی نمودند. که این تحقیق نشان داد جمعیت زندان ده درصد کاهش پیدا کرد، همچنین براساس یافته‌های این تحقیق نرخ تکرار جرم بسیار کمتر از کسانی بود که محکومیت خود را به طور کامل طی نموده بودند. همچنین آزادی پیش از موعد به طور کلی بر کاهش هزینه زندان موثر بود. (شهرودیاری و مقیمی، ۱۳۹۹)

نتیجه گیری

با توجه به اصل ۵۷ و اطلاق بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، این حق از ولی امر سلب نشده است، بنابراین رهبر آنجا که عفو عمومی را به مصلحت بداند، حق اعمال آن را دارد. از طرف دیگر، مجلس شورای اسلامی با توجه به اختیاری که در زمینه قانونگذاری در تمام زمینه‌ها بنا به تصریح اصل ۷۱ قانون اساسی، در چارچوب موازین شرع و قانون اساسی، دارد، از تصویب قانون در زمینه عفو نیز منع نشده است، همچنان که حق نسخ و الغاء قوانین سابق و تصویب قوانین جدید را دارد، حق تصویب قوانین در زمینه عفو عمومی را نیز دارد صدور آزادی مشروط منوط به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام و موافقت دادگاه صادرکننده حکم محکومیت است و پیش از آن شورای طبقه‌بندی زندانیان که رییس زندان نیز عضوی از آن است (دبیر شورا) درباره شایستگی محکوم‌علیه نظر خود را بیان می‌کند. پس از آنکه حسن اخلاق و رفتار زندانی در مدت اجرای حبس به تایید رییس زندان رسید، نام او را در شمار محکومان واجد شرایط آزادی مشروط به قاضی اجرای احکام پیشنهاد می‌کند. قاضی اجرای احکام پس از بررسی و احراز شرایط مورد اشاره، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم می‌کند. دادگاه مختار است که تقاضای آزادی مشروط را قبول یا رد کند و به این حکم دادگاه هیچ اعتراضی وارد نیست، زیرا آزادی مشروط حقی نیست که دادگاه مکلف به اعطای آن باشد، اما رد آن، مانع از تقاضای مجدد نیست. بر اساس ماده ۱۲ «دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها» مصوب ۱۳۹۲/۲/۲۹، بررسی درخواست آزادی مشروط در دادسرا و دادگاه با قید فوریت و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد.

منابع و مراجع

- [۱] ابن عبدالکریم، زید، العفو عن العقوبه فی الفقه الاسلامی، جلد ۳، الرياض، دارالعاصمه، النشر الاولی، ۱۴۱۰ ه.ق، ص ۳۱.
- [۲] زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۰، ص ۲۳۸.
- [۳] شامبیاتی، دکتر هوشنگ، حقوق جزای عمومی، ج ۲، انتشارات ژوبین، چاپ هفتم، ۱۳۷۶.
- [۴] شهرودباری، جهانگیر. مرزبان مقیمی، مجتبی (۱۳۹۹). آزادی مشروط جایگزینی برای مجازات حبس. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه علامه طباطبایی تهران - وکیل پایه یک دادگستری.
- [۵] عوده، عبدالقادر، حقوق جزای اسلامی (التشريع الجنایی الاسلامی)، جلد اول، تهران، معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۲، ص ۷۷۱.
- [۶] فضیلات، جبر محمود، سقوط العقوبات فی الفقه الاسلامی، بیروت، دار عمار، الطبعه الاولی، ۱۴۰۸ ه.ق، ص ۷۹.
- [۷] نوربها، دکتر رضا، زمینه ی حقوق جزای عمومی، نشر داد آفرین، چاپ چهارم، پاییز ۱۳۷۹.